

مراکز هسته‌ای ایران است و هدف آن این است که با تهدید تغییر دکترین هسته‌ای ایران، رژیم اسرائیل از چنین اقدامی منصرف شود. در برابر عده‌ای دیگر از تحلیل‌گران، به قرار گرفتن اظهارات خرازی در مورد دکترین هسته‌ای در کنار اظهارات او در مورد آمادگی بازگشت به برجام استناد می‌کنند. برجام از سوی آمریکا و متحدان غربی‌اش با این هدف امضا شد که با محدود کردن سطح غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران و افزایش نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، احتمال حرکت ایران را به سمت ساخت بمب اتمی محدود کنند. در این تحلیل اظهارات خرازی در چار چوب سیاست چماق و هویج ایران به‌عنوان پیامی برای آمریکا و متحدان غربی‌اش تلقی می‌شود که ایران دو گزینه پیش روی خود دارد و اگر اراده کند می‌تواند گزینه‌ای را انتخاب کند که دولت‌های غربی در دو دهه گذشته برای جلوگیری از وقوع آن تلاش‌های زیادی کرده‌اند. با این حال معنای اعلام آمادگی ایران به بازگشت به برجام این است که در صورت برداشته‌شدن تحریم‌ها، ایران می‌تواند سازوکاری را که پیش‌از این برای تضمین عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مذاکره شده‌بود، بار دیگر بی‌پذیرد.

▼ خرازی تنهاست

اظهاراتی از این دست توسط مقام‌های جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از خروج آمریکا از برجام به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۲۰۱۸، بی‌سابقه نیست. شاید تندترین اظهارنظر این‌چنینی که از سوی بسیاری به عنوان تهدید یک مقام ایرانی به ساخت بمب تعبیر شد، پیام کوتاه جواد کریمی قدوسی، نماینده مجلس پیشین بود که با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت: «در صورت صدور اذن تا انجام اولین آزمایش یک هفته فاصله.» این اظهارنظر از سوی بسیاری از ناظران به‌عنوان تهدید ایران برای ساختن بمب هسته‌ای تلقی شد. بعد از جنجال‌های ایجادشده در مورد این پیام، کریمی قدوسی با انتشار ویدئویی از اظهارات خود دفاع کرد و آن را واکنشی به تهدیدهای اسرائیل به حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران توصیف کرد. وی در پیام ویدئویی خود تصریح کرد: «بعد از انجام عملیات وعده صادق و صحبت‌هایی که از سوی رژیم صهیونیستی و حایانش می‌شد این بود که رژیم صهیونیستی به مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی حمله کند و سایت‌های فردو و نظنز را منهدم کند. اینجا فرمانده حفاظت از مراکز هسته‌ای موضعی گرفت که حمله به مراکز هسته‌ای یعنی عبور از خط قرمزهای جمهوری اسلامی در تولید سلاح هسته‌ای و احتمال داد که اگر دشمن دست به چنین اقدامی بخواهد بزند، فتوا تغییر کند.»

ممکن است اظهارات کریمی قدوسی به این دلیل که از سوی یک نماینده تندرو مطرح شده‌است، کمتر مورد توجه قرار گیرد. اما مقام‌های کنونی وپیشین جمهوری اسلامی ایران نیز در موقعیت‌های مختلف اظهاراتی را مشابه این بیان کرده‌اند. علی‌اکبر صالحی، وزیر پیشین خارجه و رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی در یک مصاحبه تلویزیونی در پاسخ به این سوال که آیا ایران توانایی ساخت بمب هسته‌ای را دارد؟ چنین جوابی داد: «ما همه آستانه‌های علم و فناوری هسته‌ای را داریم. یک خودرو شاسی می‌خواهد، موتور، فرمان و… می‌خواهد. شما می‌فرمایید ساختید؟ می‌گویم، بله، ولی هرکدام برای کار خودشان است.» اما کمال خرازی و علی‌اکبر صالحی زمانی که این اظهارات را مطرح کردند، مقام و مسئولیت رسمی در حکومت جمهوری اسلامی نداشتند. با این حال اظهارات مشابهی از سوی مقام‌های رسمی هم بیان شده‌است. سال ۱۳۹۹ محمود علوی، وزیر اطلاعات وقت دولت دوازدهم در یک برنامه تلویزیونی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران گفته‌بود: «صنعت هسته‌ای ماصنعت

انگیزه و معنای اظهارات آقای خرازی پی برد.

«یعنی شما می‌فرمایید که اینگونه اظهارنظرها با این هدف بیان می‌شود که تهران قصد دارد گزینه بد و بدتر در مقابل آمریکا قرار دهد تا واشنگتن با اجتناب از گزینه بدتر، نوشیدن داروی تلخ را بپذیرد؟

بله. این منطق سیاست و روابط بین‌الملل است. این رفتار بی سابقه نیست.

«فرمودید که آقای خرازی مقام رسمی ندارد، اگر فرض کنیم که اظهارات آقای خرازی پیامی برای طرف‌های مقابل باشد، چرا یک شخصیت غیررسمی انتخاب شده‌است؟

این هم ناشی از منطق سیاست و روابط بین‌الملل است. معمولاً در چارچوب‌های تبادل پیام، سعی می‌کنند از مقام‌های رسمی استفاده نکنند. چون اگر از مقام رسمی استفاده شود، این اظهارات مستندسازی می‌شود و موضع رسمی کشور تلقی می‌شود. گزارش‌های رسمی و اظهارات رسمی در نظام بین‌الملل، بازنمایی به مراتب متفاوت نسبت به اظهارات مقام‌های غیرمسئول دارد. البته نباید فراموش کرد که حتی همین اظهارات هم اگر مرجعیت پیدا نکنند، اما خوراک خوبی برای پروپاگاندا در افکار عمومی جهان و جنگ روایت‌ها خواهند شد. اینگونه نیست که این اظهارات غیررسمی هیچ تاثیری در ذهن رهبران غربی نمی‌گذارد.

«زندیک به دو دهه است که جمهوری اسلامی از برنامه هسته‌ای خود و تهدید به توسعه آن به‌عنوان اهرمی برای مذاکره و امتیازگیری از طرف‌های غربی استفاده می‌کند. فکر می‌کنید تهران تا چه زمانی بتواند از این ابزار برای امتیازگیری استفاده کند و طرف‌های غربی تا چه زمانی به چنین تهدیدهایی گردن می‌نهند؟

این مسئله کاملاً بستگی به منابع قدرت جمهوری اسلامی دارد. منابع قدرت در سیاست کمپاب هستند. هر اندازه که یک دولت مشکل مالی و مشکلات مشروعبت اقتصادی، یا اقتناع‌گری افکار عموی دارد یا مشکل تبیین سیاست‌هایش

صلح‌آمیز است، مقام‌معظم رهبری صراحتاً در فتوایشان فرموده‌اند که تولید سلاح هسته‌ای خلاف شرع است و جمهوری اسلامی سراغ آن نمی‌رود و آن را حرام می‌داند، اما اگر یک گربه را گوشه‌ای گیر بیاورند ممکن است رفتاری بکند که گربه‌ای که آزاد است آن رفتار را انجام ندهد. اگر ایران راه‌به آن سمت هل بدهند، آن وقت تقصیر ایران نیست، بلکه تقصیر آنهایی است که هل دادند که در شرایط عادی ایران چنین نیت و چنین برنامه‌ای ندارد.»

جدیدترین نمونه از این اظهارنظرها از سوی یک مقام رسمی ایرانی، موضعی است که سردار سرتیپ پاسدار احمد حق‌طلب، فرمانده سپاه حفاظت و امنیت مراکز هسته‌ای کشور، بیان کرد. این مقام ارشد نظامی با بیان اینکه در صورتی که رژیم صهیونیستی بخواهد اقدامی علیه مراکز و تأسیسات هسته‌ای ما انجام دهد حتماً و قطعاً با واکنش ما مواجه و برای مقابله‌به‌مثل با سلاح‌های پیشرفته مراکز هسته‌ای رژیم مورد تهاجم و عملیات قرار خواهد گرفت، تأکید کرد: «اگر رژیم جعلی صهیونیستی بخواهد از تهدید حمله کردن به مراکز هسته‌ای کشورمان برای تحت فشار قرار دادن ایران استفاده ابزاری کند، تجدیدنظر در دکترین و سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و عدول از ملاحظات اعلامی گذشته محتمل و قابل تصویری‌باشد.»

▼ ابهام‌استراتژیک

سیاست ابهام استراتژیک یا ابهام‌عامدانه به سیاستی گفته می‌شود که یک دولت یا یک بازیگر غیردولتی عامدانه با ایجاد ابهام و عدم قطعیت در مورد بخشی یا تمامی یک سیاست عملیاتی یا اعلامی، تلاش می‌کند مخاطبان را در سردرگمی نسبت به اهداف خود نگه دارد. نمونه‌های متعددی در مورد سیاست ابهام استراتژیک از سوی کشورهای مختلف دنیا وجود دارد. برای مثال ایالات متحده آمریکا در مورد حمایت از تایوان سیاست ابهام استراتژیک در پیش گرفته‌است. هرچند واشنگتن رسماً چین واحد را به رسمیت می‌شناسد و چین را به‌عنوان تنها حاکم سرزمین‌هایش از جمله تایوان می‌داند، با این حال هرگز از حمایت خود از تایوان دست نکشیده‌است و هرچند استقلال تایوان را به رسمیت نمی‌شناسد، همواره این ابهام را حفظ کرده‌است که در صورت تلاش چین برای استفاده از زور برای ضمیمه کردن تایوان، آیار دفاع از تایوان از نیروی نظامی استفاده می‌کند یا نه. ابهام در این سیاست آمریکا باعث می‌شود که چین در مورد حمله بالقوه به تایوان با احتیاط بسیاری بیشتری عمل کند، چراکه نمی‌داند در واکنش به چنین حمله‌ای آیا وارد یک نبرد تمام‌عیار با آمریکا می‌شود یا نه. در منطقه غرب آسیا هم نمونه‌مشهور ابهام استراتژیک، سیاست اسرائیل در مورد سلاح‌های هسته‌ای است. هر چند تقریباً اجماع جهانی وجود دارد که اسرائیل سلاح‌های هسته‌ای در اختیار دارد، اما مقام‌های رژیم اسرائیل هرگز در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای را نپذیرفته‌اند. به همین دلیل اولاً مشخص نیست که اسرائیل چه تعداد سلاح هسته‌ای با چه توانایی‌ها و قابل استفاده با چه نوع ابزارهای شلیک در اختیار دارد و در عین حال با این سیاست خود را از قرار گرفتن تحت فشارهای بین‌المللی برای امحای سلاح‌هایی که در اختیار داشتن آن را هرگز نپذیرفته‌است، در امان نگه می‌دارد.

به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از پیش بر ابهام‌ها در مورد نیت‌های برنامه‌هسته‌ای‌اش اضافه‌می‌کند. هر چند نسخه ایرانی ابهام استراتژیک بر خلاف اسرائیل در مورد در اختیار داشتن یا نداشتن سلاح هسته‌ای نیست، بلکه در مورد همیشگی بودن نیت ایران برای عدم ساخت سلاح هسته‌ای است. تأییش از خروج آمریکا از برجام، مقام‌های ایرانی به‌صورت یک‌صدا و مستمر تأکید می‌کردند که برنامه‌هسته‌ای ایران مسالمت‌آمیز است

و براساس فتوای رهبری، ایران نیتی برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد و سلاح‌های کشتار جمعی در دکترین دفاعی ایران جایی ندارند. به نظر می‌رسد که در طول ۶ سال گذشته و بعد از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های واشنگتن علیه ایران که بخش بزرگی از متحدان آمریکا از آنها پیروی می‌کنند، ایران نیز تلاش کرده‌است تا سیاست خود را تغییر دهد و بر ابهام‌ها در مورد نیت و برنامه‌های خود اضافه کند. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی بیش از پیش می‌خواهد این پیام را به طرف‌های مقابل برساند که گزینه ساخت تسلیحات هسته‌ای، نه به یک پروژه بلندمدت بلکه به یک گزینه کاملاً در دسترس و فوری برای ایران تبدیل شده‌است. تهران امیدوار است که طرف‌های خارجی‌پانوجه‌به این گزینه در محاسبات خود در قبال ایران بازنگری کنند تا به گفته مقام‌های ایرانی، تهران «مجبور نشود» به گزینه دیگر متوسل شود. سیدحسین موسویان، دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی در یادداشتی در مورد میراث سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فقید ایران می‌نویسد که ایران در دوران رئیسی «به یک کشور در آستانه بمب هسته‌ای تبدیل شد که این مهم‌ترین میراث دوره ریاست‌جمهوری رئیسی را رقم زد. اکنون سوال این است که آیا ایران بعد از رئیسی به یک کشور دارنده بمب هسته‌ای تبدیل خواهد شد.» به‌نظر می‌رسد که مقام‌های جمهوری اسلامی با توجه به استمرار یافتن فشارها و تحریم‌های غربی به این نتیجه رسیده‌اند که باید از طریق ایجاد ابهام و بالا بردن هزینه‌های عدم مذاکره و توافق با ایران، این روند را متوقف کنند و طرف غربی به‌ویژه آمریکا را وادار کنند برای رفع ابهام و تضمین عدم تغییر دکترین هسته‌ای ایران، امتیازهای قابل توجهی را به ایران بدهد. مشخص نیست این سیاست ایران در درازمدت تا چه اندازه می‌تواند کارایی داشته‌باشد و آیا اساساً طرف‌های غربی به قول مشهور بلوف دیپلماتیک ایران رامی‌خوانند یا نه.

▼ انگیزه توازن قوا

علاوه بر مواردی که در مورد انگیزه‌های احتمالی مقام‌های ایرانی از بیان احتمال تغییر دکترین هسته‌ای بیان شد، مسئله دیگری هم وجود دارد که در طول ماه‌های گذشته تحلیل‌گران و کارشناسان ژئوپلیتیک به آن اشاره می‌کنند: ایده‌ای که نخستین بار بیش از یک دهه قبل توسط کنت والتز، استاد فقید روابط بین‌الملل در آمریکا مطرح شد و براساس آن برای رسیدن به آرامش و ثبات در خاورمیانه ضروری است که در مقابل توانمندی‌های هسته‌ای اسرائیل، ایران هم به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند تا توازن قوا در منطقه حاکم شود. استیون والت، تحلیل‌گر مشهور مسائل بین‌الملل هم به‌تازگی در مقاله‌ای به این ایده والتز استناد کرده‌است و می‌گوید: «…اما، اگر سطح کنونی ضحومت ادامه پیدا کند، سخت است باور کنیم که ایران در نهایت تصمیم نمی‌گیرد.» وی هر چند معتقد است که چنین اقدامی ممکن است به مسابقه تسلیحاتی در منطقه دامن بزند، اما می‌نویسد: «شاید والتز از ابتدا درست می‌گفت و یک موازنه هسته‌ای نسبی در خاورمیانه سرانجام این دولت‌های دناماً درگیر را وادار می‌کند تا دشمنی خود را کاهش دهند و همزیستی مسالمت‌آمیز را انتخاب کنند.» جان میرشایمر، نظریه‌پرداز نالیسم تهاجمی در سیاست خارجی نیز این ایده را در گذشته چندین بار مطرح کرده‌بود و در مصاحبه‌های اخیر خود بعد از رویارویی مستقیم ایران و اسرائیل در ماه آوریل بار دیگر تأکید می‌کند که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، می‌تواند خاورمیانه را به جای امن‌تر و باثبات‌تری تبدیل کند. البته این ایده مخالفان جدی هم دارد که معتقدند سلاح هسته‌ای بازدارندگی ایجاد نمی‌کند و ریسک جنگ‌های مهلک و مرگبار بزرگ را افزایش می‌دهد.

خاورمیانه، ایجاد توازن هسته‌ای میان ایران و اسرائیل است. به نظر

شماره در این چارچوب آیا می‌توان چنین اظهاراتی را تفسیر کرد؟

در این رابطه دو تحلیل وجود دارد، اینکه آیا داشتن سلاح هسته‌ای باعث توازن در مناسبات بازیگران منطقه‌ای می‌شود، موضوع مجادله جدی است. دیدگاه نخست معتقد است که سلاح هسته‌ای بازدارندگی ایجاد می‌کند و مثال‌های آن را هم جنگ سرد و هند و پاکستان عنوان می‌کنند. اینها تمثیل‌هایی است که می‌توان به‌عنوان یک نمونه از بازدارندگی متقابل به آن نگاه کرد. اگر به یاد داشته‌باشید، دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در زمان حمله آمریکا به عراق، می‌گفت اگر عراق سلاح هسته‌ای داشت، دیگر حمله به عراق برای ما ميسر نبود. این دیدگاه به در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای با عنوان توازن وحشت یا Balance of Terror نگاه می‌کند. ماهیت سلاح هسته‌ای اساساً بازدارنده است و برای استفاده تولید نمی‌شود، بلکه باعث ادراک تهدیدی می‌شود. دیدگاه دوم به نمونه‌های دیگر اشاره می‌کند، مثلاً مورد کره شمالی نشان داد که سلاح هسته‌ای خیلی هم بازدارنده نیست، چون قبل و بعد از آزمایش سلاح هسته‌ای کره شمالی، استراتژی آمریکا در قبال پیونگ‌یانگ دست‌نخورده باقی‌ماند. در همین نمونه اخیر حمله ایران به اسرائیل و با حتی حمله ایران به پاکستان، نشان داد که صرف داشتن سلاح هسته‌ای، بازدارندگی قطعی ایجاد نمی‌کند. قاعدتاً حمله به یک کشور هسته‌ای آنقدر مخاطره‌آمیز باشد که یک کشور به چنین اقدامی دست نزند. دیدگاه دوم معتقد است که دیگر نمی‌توان بر دکترین هسته‌ای به‌عنوان یک عامل بازدارنده و توازن‌بخش حساب کرد و این دیدگاه در حال تقویت شدن است. به اعتقاد من یک دیدگاه میانه وجود دارد، برای مثال هندو پاکستان صرفاً به خاطر در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای نیست که از منازعه اجتناب می‌کنند، بلکه به این دلیل است که ابزارها و انگیزه‌های بهتری برای پایان‌بخشیدن به منازعه در اختیار دارند و در حال حاضر به این ابزارها و انگیزه‌ها اولویت داده‌اند. اسلام‌آباد و دهلی‌نو، فهمیده‌اند که در سایه صلح، امکان توسعه بیشتر می‌شود، می‌دانند که با دیپلماسی می‌توان دستاوردهایی فراتر از جنگ به دست آورد. فقط سلاح هسته‌ای نیست که هند و پاکستان را وادار به موازنه و آتش‌بس کرده‌است. دیدگاه دوم عناصری بیشتر از سلاح را در چارچوب صلح و توازن قوا در نظر می‌گیرد.

مقامات

مقام معظم رهبری در دیدار بشار اسد با اشاره به فشارهای آمریکا و اروپا به ایران و سوریه:

مقام معظم رهبری در دیدار بشار اسد با اشاره به فشارهای آمریکا و اروپا به ایران و سوریه:

باید از این شرایط عبور کنیم

مقام معظم رهبری روز پنجشنبه در دیدار بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه و هیئت همراه، مقاومت را هویت ممتاز سوریه دانستند و گفتند: «جاگاه ویژه سوریه در منطقه نیز به دلیل همین هویت ممتاز است و این ویژگی مهم باید محفوظ بماند». آیت‌الله خامنه‌ای با تشکر از حضور آقای بشار اسد در تهران به‌منظور ابراز تسلیت به ملت ایران، به‌نقش بارز آقای رئیسی در تقویت روابط ایران و سوریه اشاره کردند و افزودند: «آقای امیرعبداللهیان نیز در این زمینه یک توجه ویژه داشت». آیت‌الله خامنه‌ای، تقویت ارتباطات ایران و سوریه را از لحاظ اینکه دو کشور از ارکان محور مقاومت هستند، مهم ارزیابی کردند و گفتند: «هویت ممتاز سوریه که همان مقاومت است از دوران مرحوم حافظ اسد و با پایه‌گذاری «جبهه مقاومت و ایستادگی» شکل گرفت و این هویت همواره به وحدت ملی سوریه نیز کمک کرده‌است». ایشان با تأکید بر لزوم محفوظ ماندن این هویت خاطرنشان کردند: «غربی‌ها و دنباله‌های آنها در منطقه قصد داشتند با جنگی که علیه سوریه به راه انداختند، نظام سیاسی این کشور را ساقط و سوریه را از معادلات منطقه حذف کنند اما موفق نشدند و اینک نیز قصد دارند با شیوه‌های دیگر و از جمله وعده‌هایی که هیچگاه به آنها عمل نخواهند کرد، سوریه از معادلات منطقه خارج کنند». رهبری با تجلیل از ایستادگی محکم بشار اسد تأکید کردند: «همه باید امتیاز ویژه دولت سوریه یعنی مقاومت را در مقابل چشم خود مشاهده کنند». آیت‌الله خامنه‌ای به فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا و اروپا به ایران و سوریه اشاره کردند و گفتند: «باید با افزایش همکاری‌ها و منظم کردن آن، از این شرایط عبور کنیم». ایشان با اشاره به آماده به کار بودن آقای رئیسی فقید و عزیز برای افزایش همکاری‌های ایران و سوریه در زمینه‌های مختلف، خاطرنشان کردند: «اکنون نیز آقای مخبر با دارا بودن اختیارات رئیس‌جمهور، همان رویکرد را ادامه می‌دهد و امیدواریم همه امور به بهترین وجه به پیش برود». رهبری همچنین با انتقاد از مواضع ویی‌عملی برخی کشورهای منطقه در قبال موضوع غزه، به نشست اخیر سران عرب در منامه اشاره کردند و افزودند: «در این نشست کوتاهی‌های زیادی در قبال فلسطین و غزه شد اما برخی کشورها نیز خوب عمل کردند». آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه «نگاه جمهوری اسلامی به ایننده، مثبت و روشن است»، گفتند: «امیدواریم همه ما بتوانیم به وظیفه خود عمل کنیم و به این آینده روشن برسیم». بشار اسد نیز رهبری به دلیل نقش بارز و مهم در حمایت از مقاومت در منطقه و همچنین به دلیل حمایت از سوریه در همه زمینه‌ها، تشکر و قدردانی کرد.

▼ نامه به دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا

مقام معظم رهبری همچنین در نامه‌ای خطاب به دانشجویان بوجدان حامی مردم فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا، ضمن ابراز همدلی و همبستگی با اعتراضات ضدصهیونیستی این دانشجویان، آنان را بخشی از جبهه مقاومت دانستند و با اشاره به تغییر وضعیت و سرنوشت منطقه حساس غرب آسیا، بر ورق خوردن تاریخ جهان تأکید کردند. در بخشی از این نامه آمده است: این نامه را به جوانانی می‌نویسم که وجدان بیدارشان آنها را به دفاع از کودکان و زنان مظلوم غزه برانگیخته است. جوانان عزیز دانشجویان ایالات متحده‌ی آمریکا! این پیام همدلی و همبستگی ما با شما است. شما اکنون در طرف درست تاریخ – که در حال ورق خوردن است– ایستاده‌اید. شما اکنون بخشی از جبهه‌ی مقاومت را تشکیل داده‌اید، و در زیر فشار بی‌رحمانه‌ی دولت‌تان – که آشکارا از رژیم غاصب و بی‌رحم صهیونیست دفاع می‌کند– مبارزه‌ای شرافتمندانه را آغاز کرده‌اید. جبهه‌ی بزرگ مقاومت در نقطه‌ای دور، با همین ادراک و احساسات امروز شما، سال‌ها است مبارزه می‌کند. بزرگ‌ترین حامی این رژیم غاصب، پس از نخستین کمک‌های انگلیسی، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است که پشتیبانی‌های سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی از آن رژیم را یک‌سره ادامه داده و حتی با بی‌احتیاطی غیر قابل‌بخشش، راه برای تولید سلاح هسته‌ای را به روی او گشوده و به او در این راه کمک کرده است. رژیم صهیونیست از روز اول، سیاست «مشت آهنین» را در برابر مردم بی‌دفاع فلسطین به کار گرفت و بی‌اعتنا به همه‌ی ارزش‌های وجدانی، انسانی و دینی، روزه‌روزی بر بی‌رحمی، ترور و سرکوبگری افزود. دولت آمریکا و شرکایش، حتی از یک اخم در برابر این تروریسم دولتی و ظلم مستمر، دریغ کردند. آیا ملتی که در سرزمین متعلق به خود در برابر جنایت‌های اشغالگران صهیونیست از خود دفاع می‌کند، تروریست است؟ من می‌خواهم به شما اطمینان دهم که امروز وضعیت در حال تغییر است. سرنوشت دیگری در انتظار منطقه‌ی حساس غرب آسیا است. بسیاری از وجدان‌ها در مقیاس جهانی بیدار شده و حقیقت در حال آشکار شدن است. جبهه‌ی مقاومت هم نیرومند شده و نیرومندتر خواهد شد. تاریخ هم در حال ورق خوردن است.